



مشروطه همگان
نقدی بر بایبی نمایان انقلاب مشروطه

- نویسندهگان: محمد رضا جوادی یگانه
- علی راغب
- انتشارات: علمی
- تعداد صفحه: ۲۱۳ صفحه
- قیمت: ۳۳۰ هزار تومان

تهی شدن از مشروطه
نسبت انقلاب اسلامی با مشروطیت

- نویسندهگان: محمد رضا جوادی یگانه
- علی راغب
- انتشارات: علمی
- تعداد صفحه: ۲۴۸ صفحه
- قیمت: ۴۷۵ هزار تومان

که می توان «برای بسط و عمومی شدن حاکمیت مردم دانست.» «فقیهان شورای انقلاب اما بر خلاف این دو، مشروطه را نه از باب مفهوم و تغییرات مثبت در جامعه ایران که از باب عبرت می‌نگریستند. مطهری مشروطه را آغاز دوقطبی شدن جامعه ایران می‌دانست. دیگران آنکه با مشروطه تا آنجا موافق بود که موافق اسلام باشد؛ همان نگاهی که در باب رأی مردم داشت. انزوی فقیهان در دوره مشروطه و مطابقت قوانین و مفاهیم مشروطه با اسلام از دیگر مواردی است که نزد دیگر فقیهان انقلابی مانند آیات منتظری، بهشتی و هاشمی‌رفسنجانی موضوعیت داشت. مهم‌ترین بحث کتاب اما درباره رد پای مشروطه در قانون اساسی جمهوری اسلامی است. این نسبت، روایتی درازامن از پیش نویس قانون اساسی، نحوه بررسی آن، مجلس و بررسی نحوه بررسی آن، مجلس و بررسی نهایی قانون اساسی (خبرگان)، بعضی از مذاکرات مربوط به مفاهیم مشروطه و مجلس و مسأوات در این مجلس و شورای بازنگری قانون اساسی دارد. به مرور رخ داد. کتاب «تهی شدن از مشروطه» را شاید بتوان روایتی از بی‌عقبه شدن جنبشی دانست که با آرمان حریت و مساوات شکل گرفت اما با ناکامی مواجه شد. این ناکامی پایان مشروطیت، بر چنین تعریفی، مشروطه نه موضوعی تاریخی که موضوع و مسأله‌ای برای امروز و فردای ایران است.

ادارات براساس الگوی اروپایی، تغییر روش در تجارت، صنعت و زراعت» و مواردی از توسعه و تجدد بویژه «رود ملت به امور مملکت، باور داشت، «هرج و مرج، نامنی و بی‌سامانی» را از آفات و مشکلات آن می‌دانست. این موضوع اما موجب نمی‌شد بازارگان از ضرورت و مفید بودن مشروطه ناگنود؛ «تجربه مشروطه اگر جوابش منفی درآمد، نباید این‌طور تلقی شود که انقلاب مشروطیت و قیام ملت برای آزادی عمل لغوی بوده... مشکلات و معایبی که بررسی کردیم، تماماً ناشی از ناشی‌گری ملتی بود» که تجربه تاریخی‌اش استبداد بود. از همین رو انقلاب مشروطه را «اقدام ضروری و جسورانه‌ای» می‌دانست که «بالاخره می‌بایستی انجام شود و نجات بد و خوب آن را می‌پذیریم تا تجربه [کرده] و تغییر باییم.» در این‌باره گویا بازارگان، نه نگاه به گذشته که چشم به آینده انقلابی داشت که در آستانه پیروزی بود. شاید بر مبنای چنین آینده‌نگری، او معتقد بود برای گذر از استبداد به مشروطه و حکومت ملی باید «ملت به صفت مشترک و شخصیت واحد»، در مقابل استبداد بایستند و شرط آن «وحدت جامعه و محبت ملت» است. نسبت به هم و عمل جمعی» است. طالقانی نیز با وجود آن‌که کتاب مهم محمد حسین نائینی را با مقدمه‌ای مفصل منتشر کرده بود، به سرنوشت مشروطه نگاهی عبرت‌آموز داشت؛ از جنبشی آزادخواهانه که به استبداد پهلوی انجامید. این وضعیت نیز ناشی از «بازگشت مردم به خانه‌هایشان و منزوی شدن آنان در قبال انقلابی» بود که خود کرده بودند. شاید بر مبنای همین دغدغه بود که برای تصویب اصل شوراها در قانون اساسی جمهوری اسلامی اهتمامی ویژه داشت؛ اهتمامی



آنجبه بابیی نمایان انقلاب مشروطه از یاد برده‌اند، حضور «اقتشار مختلف و متنوعی چون روشنفکران، علمای شیعه، تجار، زنان، ارمنی‌ها، قفقازی‌ها، ازلیان و عامه مردم» در این جنبش فکری و سیاسی است. همین ویژگی است که این انقلاب را شایسته صفت «همگان» ساخته است

مشروطه به محاق فراموشی رفت و حتی در خطابه تاج‌گذاری رضاشاه که توسط محمدعلی فروغی نوشته و خوانده شد، نشانی از مشروطه نبود. فروغی که رساله حقوق اساسی را نوشته بود، رضاشاه را نه در کسوت احیاگر مشروطه که تجسم نادرشاه افشار می‌دید. بدین ترتیب از آغاز سلطنت پهلوی، بخشی از نخبگان ایرانی از مشروطه گسستند و به قول مصدق، مشروطه «معطل» شد. بخشی دیگر با نگاه عبرت‌بدان نگریستند و آن را قابل تکرار دانستند؛ تکراری که بیشتر جنبه پیروزی آن را در نظر داشت، نه تحقق آن. رهبران جمهوری اسلامی، آیت‌الله خمینی و رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، چنین نگاهی به مشروطه دارند. بنیانگذار انقلاب اگرچه بعضی از نقدهایش به سلطنت پهلوی از منظر قانون اساسی مشروطه بود با مشروطه را به خاطر رهبری فقها می‌ستود، اما پس از پیروزی انقلاب به مشروطه نگاهی عبرت‌آموز داشت. نه الگوپذیری از آن، این نگاه را می‌توان در مواردی چون نقد مشروطه در انزوی فقیهان و حزب‌بازی دید. مشروطه به معنای آنچه در اندیشه سیاسی علامه محمدحسین نائینی وجود داشت، در نگاه و اندیشه رهبر فقید انقلاب چندان قابل ردیابی نیست: «مشروطه‌ای که آیت‌الله خمینی از آن یاد می‌کنند، نسخه کامل‌یافته مشروطه شیخ فضل‌الله است که با مشروطه آیت‌الله نائینی ادغام شده است. از یک سو، شیخ فضل‌الله طرفدار نظریه قدرت دوگانه شاه و شیخ بود (بدین معنا که حاکم، شاه است اما فقیه، ناظر و مشروعیت‌بخش پرشاه است) که با حکومت اسلامی، آنچنان که مدنظر آیت‌الله خمینی و بعدها جمهوری اسلامی بود، تفاوت داشت.» نویسندگان به مفهوم مشروطه و تلقی از آن نزد گردانندگان انقلاب که بعدها در شورای انقلاب عضویت یافتند نیز اشاراتی دارند. شاید بتوان بازارگان و طالقانی را بیش از دیگران (مطهری، منتظری، بهشتی و هاشمی‌رفسنجانی) نسبت به آن حساس دانست. بازارگان را شاید بتوان فرزند مشروطه دانست که نسبت به وقایع و نتایج آن نیز حساسیت بیشتری داشت؛ اگرچه در دوره پس از پیروزی انقلاب، او نیز مانند بسیاری از انقلابیون تلاشی معطوف به سازگار کردن آزادی و اسلام» بود؛ هرچند به باور نویسندگان، «البته با اولویت اسلام»، بازارگان اما پیش از این، تحلیل و نگاه اصلی خود را از مشروطه در نوشتاری با نام «ملت ایران چه باید بکند؟ یک تحلیل تاریخی برای مبارزه ملی» تبیین کرده بود. او در این اثر که از سال ۱۳۵۶ تا خرده‌امد ۱۳۵۷ به نگارش درآورد، نگاهی گذرا و تحلیلی به تاریخ ایران از کوروش تا سیاست حقوق بشر کارتر دارد. بازارگان که به نتایج مثبت مشروطه مانند «آزادی، قانون، انتخابات، دولت و ملت، توجه به علوم و افکار جدید، تأسیس



عده‌ای از نمایندگان مجلس اول، از راست: ۱. مخبرالملک هدایت، ۲. صدیق حضرت مظاهر ۳. حاج میرزا آقا فرشی ۴. حاج میرزا ابراهیم آقا تبریزی ۵. میرزا مرتضی قلی خان نائینی ۶. وثوق الدوله ۷. آقا رئیس‌التجار مهدوی ۸. مستشارالدوله صادق ۹. حسنعلی نصرالملک هدایت ۱۰. سید حسن تقی‌زاده و ابوالحسن یانکی شیرازی

جنبش پرسوء تفاهم

نگاهی به دو کتاب **مشروطه همگان** و **تهی شدن از مشروطه** نوشته محمد رضا جوادی یگانه و علی راغب

تحلیل تاریخ



پژوهشگر تاریخ

مشروطه ناکام، مشروطه ناهنگام، مشروطه ناتمام، مشروطه معطل، مشروطه بی‌فرجام، مشروطه مسروقه و... نام‌هایی از این دست همواره به فراخور عقیده و نگاه افراد، به یکی از مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و فکری ایرانیان داده شده است؛ جنبشی که گاه نگاه سیاسی و ایدئولوژیک موجب شده دچار تحریف و وارونه‌نویسی شود. چنین نگاهی به روایت و تحلیلی ناقص و چه بسا تحریف‌آلود از مشروطه می‌انجامد.

اهداف بابی نمایان انقلاب مشروطه

مشروطه جنبشی بود که از وفای نیرهای مؤثر اجتماع حاصل شد. در سال‌های اخیر دو نگاه متضاد اما در یک جهت، حضور طیف‌ها و طبقات مختلف اجتماع در این جنبش را نفی کرده و در نگاهی تقلیل‌گرایانه آن را به بابیان ازلی یا بهائیان نسبت داده‌اند. اگرچه پیش از این، برخی از فعالان مشروطه‌خواه به ازلی بودن متهم بودند، اما در فضای غبارآلود

آن سال‌ها، بیشتر یک اتهام سیاسی بود و برای از میدان به در کردن رقبا یا مشروطه‌خواهان تلقی می‌شد. بعضی از افراد متهم هم فقط از لحاظ پیشینه خانوادگی در این رده محسوب می‌شدند و از لحاظ عقیدتی به چنین وجهی شناخته نمی‌شدند. این اتهام شده است؛ اتهامی که میراثی ملی را اما با نگاهی سیاسی، بار دیگر مطرح شده است؛ اتهامی که میراثی ملی را به اقلیتی نسبت می‌دهد. محمد رضا جوادی‌یگانه و علی راغب در کتاب «مشروطه همگان» درصدد پاسخ به این نسبت برآمده‌اند. در بخش اول کتاب با عنوان «راهنمای تاریخی» به طور گذرا وقایع منجر به مشروطه، بایبه و اشخاص در مظان اتهام بای‌گری بررسی شده‌اند. فصل اول که به «طرح بحث» اختصاص دارد، یکی از مهم‌ترین کسانی را که اتهام بای‌گری به مشروطه و مشروطه‌خواهان زد، محمدعلی شاه معرفی می‌کند؛ شاهی که به کمک قزاقان روس بساط مجلس مشروطه را برچید. او در نامه‌ای به فقیهان و مراجع مقیم نجف، در توجیه اقدام خود از «تشکیل انجمن بابیه» توسط مشروطه‌خواهان و سوءاستفاده آنان از آزادی نوشت. آنچه محمدعلی شاه و مخالفان مشروطه بنیان گذاشتند،

بعدها توسط سه گروه از محققان با انتساب مشروطه به بابیت با بهائیت دنبال شد: «الف) گروهی از مورخان و نویسندگان مؤمن بدین آیین‌ها. ب) مورخان و نویسندگان طرفدار و همدل با آنها. ج) مورخان و نویسندگان مسلمان یا منسوب به گروه‌های مذهبی و حکومتی که اغلب داخل ایران هستند.» جالب اینکه دو دسته اول و سوم با وجود تضاد و تقابل با هم، «به شدت از یکدیگر متأثر هستند و اغلب بدون ارجاع یا ذکر نام، به تکرار گفته‌های یکدیگر پرداخته‌اند.» نویسندگان سعی کرده‌اند با معرفی این دو دسته، به نقد آثارشان بپردازند. در این میان، اثر دو نویسنده، تورج امینی و سید محمد انبوی‌رضوی، بیشتر موضوع نقد آنان قرار گرفته است؛ دو نویسنده در دو جبهه متضاد. گاه این دو نویسنده را مراد کرده و حتی در فقدان نظریه و روش علمی در اثرشان، بسیار شبیه یکدیگرند. آنچه اما بابی نمایان انقلاب مشروطه از یاد برده‌اند، حضور «اقتشار مختلف و متنوعی چون روشنفکران، علمای شیعه، تجار، زنان، ارمنی‌ها، قفقازی‌ها، ازلیان و عامه مردم» در این جنبش فکری و سیاسی است. همین ویژگی است که این انقلاب را شایسته صفت «همگان» ساخته است.

میراث مصادره شده

بررسی نسبت **میرزا حسین خان سپهسالار** با **مشروطه** در کتاب **اندیشه ترقی و حکومت قانون** نوشته **فریدون آدمیت**

نویسن ایران دانست. مصلحت‌خانه که نطفه‌های اولیه پارلمان را در خود داشت و قرار بود در آن قانون‌گذاری عرفی جای دستورات سنتی را بگیرد. بعد از دو سال از چهره سیاست ایران زده‌ده شد، اما سپهسالار که در این خلا قدرت توانسته بود جایگاه و منزلت خود را ارتقا دهد، در وزارت عدلیه ایجاد حکومت قانون و گسست از حاکمیت فردی را سرلوحه اقدامات خود قرار داد و اولین مرحله اصلاحات قانون‌گذاری را شروع کرد. او در این کار میرزا یوسف خان مستشارالدوله (نویسنده رساله مشهور یک کلمه) را در کنار و همراه خود داشت. به این ترتیب تاریخ قانون‌گذاری جدید ایران با وزارت عدلیه سپهسالار آغاز شد و دستگاه عدلیه جدید به کوشش او و میرزا یوسف مستشارالدوله تأسیس شد. میرزا یوسف که در حقوق اسلامی دست داشت به قوانین اروپایی هم آگاه بود و فصولی از مجموعه قوانین ناپلئون را هم به فارسی برگردانده بود. به گفته آدمیت او در تنظیمات قانونی این دوره سهم عمده‌ای دارد و در تدوین قوانین عدلیه دخالت مستقیم داشته و نخستین طرح رسمی قانون اساسی را هم او نوشته است.

سپهسالار که اولین قانون عمومی ایران را پایه‌گذاری کرد، در قانونی که نوشت برپایی عدالت‌خانه را هم پیش‌بینی کرده بود. سپهسالار بعد از ایجاد قانون قضایی و استقرار محاکم عرفی، به دیگر عرصه‌های قانون‌گذاری توجه کرد و حکومت قاجاریه را به طرف مشروطیت کشاند. آدمیت در اشاره به ایده‌های سیاسی سپهسالار در قانونمند کردن

استفاده می‌کرد و تحلیل خود را بر پایه اسناد و مدارک محکم قرار می‌داد. نگاه او به مدارک و منابع مطالعه، شکاکانه و انتقادی بود تا اینکه در نهایت اعتبار آنها بر او مسلم می‌شد یا به متقن نبودن‌شان پی می‌برد. آدمیت در کتاب «اندیشه ترقی و حکومت قانون: عصر سپهسالار» به تحقیق در ریشه‌های فکری جنبش مشروطه می‌پردازد. اگر حکومت قانون را اساس و بنیان جنبش مشروطه بدانیم این گونه نیست که ایرانی‌ها یک‌شبه خواب‌نما و قانون‌خواه شده باشند؛ بلکه حرکت در جهت دستیابی به قانون به سال‌ها پیش از پیروزی مشروطه برمی‌گردد و ریشه در اصلاحات عصر سپهسالار دارد. میرزا آقا خان نوری (اعتمادالدوله) که بعد از امیرکبیر به صدارت رسید نتوانست در پیشبرد اصلاحات موفق شود و بی‌کفایتی او سبب بازگشت اوضاع آشفته قبل از امیرکبیر شد. به همین خاطر ناصرالدین شاه که همچنان از عاقبت امیرکبیر اندوهگین بود، مقام صدارت را ملغی کرد و «شورای دولت» را جایگزین آن کرد. به اعتقاد فریدون آدمیت عزل اعتمادالدوله کار درستی بود ولی برانداختن مقام صدارت تدبیری اندیشیده و سنجیده نبود، چرا که نه نظام استواری جایگزین آن شد و نه عوارض دولت مطلقه را چاره کرد. اگر چه شورای دولت بنا به گفته آدمیت ناکارآمد بود و از دومین نهاد جدید سیاسی به نام «مصلحت‌خانه» هم توفیقی حاصل نشد، اما در این خلا قدرت، میرزا حسین خان سپهسالار رشد کرد که او را می‌توان پدر قانون‌گذاری



اندیشه ترقی و حکومت قانون

عصر سپهسالار

- نویسنده: فریدون آدمیت
- انتشارات: خوارزمی
- تعداد صفحه: ۵۲۴ صفحه
- قیمت: ۲۵۷ هزار تومان

قانون‌خواهی باشد، بعد از فتح تهران به سمت و سویی رفت که دموکرات‌ها با کمک نیروهای رادیکالی چون حیدرخان عموافلی تلاش در قبضه کردن فضا را داشتند، اما رادیکالیسم و تروریسم دموکرات‌ها نتیجه‌ای جز آشوب و هرج و مرج و سربرآوردن حکومت رضا شاه نداشت. با وجود اینکه رادیکال‌ها همیشه عامل مهمی در به بن‌بست کشاندن حرکت‌های اصلاح‌طلبانه معاصر بوده‌اند، اما با تبلیغات و داشتن صدای بلند، خود را و اگر چه اغلب در مقام تحلیل‌اذعان دارند تندروی مشروطه‌خواهان در مقام عمل بسیاری از تندرورها همچنان مورد ستایش قرار می‌گیرند و به عنوان مجاهد، آزادی‌خواه و وطن‌پرست معرفی می‌شوند.



سپهسالار بعد از ایجاد قانون قضایی و استقرار محاکم عرفی، به دیگر عرصه‌های قانون‌گذاری توجه کرد و حکومت قاجاریه را به طرف مشروطیت کشاند



نظم امور دیوانی» که در سال ۱۳۸۸ ق صادر شد، درصدد نظام‌دهی به گردش کارها و تقسیم امور دولت بود؛ این قانون را باید مبدأ تحول در اصول سیاست جدید ایران شناخت. آدمیت در نهایت می‌نویسد: «دوران سپهسالار در قیاس تاریخی با عصر تنظیمات عثمانی که رهبری ترقی‌خواه متشکل مستمری داشت. و خاصه در مقایسه عصر میخی ژاپن که هیأت اقلیت حاکم، خود پیشرو اصلاحات شد. به شکست و نافرادی انجامید. از مطالعه تطبیقی که بگذریم، دوره میرزا حسین خانی اهمیت تاریخی زیادی دارد. اولین تجربه را در راه تغییر حکومت استبدادی و ایجاد دولت منظم غربی در این دوره داشتیم و دانستند که غیر از سنت کهنه حکمرانی مطلق، اصول سیاست دیگری هم در دنیا متصور هست. مبدأ قانون‌گذاری جدید همین دوره است.»

کشور می‌نویسد: «تلاش دولت در حکومت قانون با صدارت سپهسالار، خیز تاریخی تازه‌ای داشت [و] با نوشتن قانون اساسی و قانون‌نامه‌های مکمل آن به اوج خود، در حد امکانات دولت می‌توانست به فارسی برگردانده بود. به گفته آدمیت او در تنظیمات قانونی این دوره سهم عمده‌ای دارد و در تدوین قوانین عدلیه دخالت مستقیم داشته و نخستین طرح رسمی قانون اساسی را هم او نوشته است.

سپهسالار که اولین قانون عمومی ایران را پایه‌گذاری کرد، در قانونی که نوشت برپایی عدالت‌خانه را هم پیش‌بینی کرده بود. سپهسالار بعد از ایجاد قانون قضایی و استقرار محاکم عرفی، به دیگر عرصه‌های قانون‌گذاری توجه کرد و حکومت قاجاریه را به طرف مشروطیت کشاند. آدمیت در اشاره به ایده‌های سیاسی سپهسالار در قانونمند کردن